



تقریر درس خارج اصول فقه آیت الله اراکی رحمته الله

مقرر	حجت الاسلام محمد علی زحمت کش	جلسه	۴۱	تاریخ	۱۴۰۱/۰۹/۲۰
عنوان ۱	حجیت ظن				
عنوان ۲	ظنون خاصه				
عنوان ۳	ظهور				
عنوان ۴	مقدمات				

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ»

مرور درس گذشته

مقدمات بحث حجیت ظواهر را بیان می کردیم. در مقدمه اول گفتیم آنچه در بحث حجیت ظواهر مورد بحث است، حجیت مدلول تصدیقی است. در مقدمه دوم بیان کردیم که بین دلالت و ظهور کلام تفاوت وجود دارد و دلالت، اعم از ظهور است. در مقدمه سوم گفتیم در حجیت دلالت کلام متکلم بر مدالیل التزامیه غیر بینه در جایی که متکلم، متکلم واجب الطاعة باشد، التفات شرط نیست؛ اما در حجیت نسبت به مدلولات التزامیه غیر بینه در غیر متکلم واجب الطاعة، التفات شرط است. در مقدمه چهارم بیان شد که حجیت مدلالیل التزامیه غیر بینه علیه متکلم بر له سامع (در معذرت) در امارات مثبتة تکلیف، دارای تفصیل است؛ گفتیم بنابر قاعده قبح بلا بیان، می توان گفت به این دلیل که مدلول التزامی غیر بینه، بیان به شمار نمی آید، لذا در مواردی که مدلول التزامی غیر بینه بر ثبوت تکلیف دلالت کند، قاعده قبح عقاب بلا بیان جاری خواهد شد؛ در نتیجه مدلول التزامی غیر بینه مثبتة تکلیف، حجیت نخواهند داشت. در امارات نافیة تکلیف، نتیجه یکی است؛ چه مدلول التزامی غیر بینه، بیان باشد و چه نباشد، قاعده قبح عقاب بلا بیان جاری خواهد بود. اما بنا بر قاعده حق الطاعة، دلالت التزامی غیر بینه مثبتة تکلیف، حجیت دارد و منجز تکلیف است. بنابر این اگر بیان را منحصر در ظهور بدانیم، چنین تفصیلی بین قاعده قبح بلا بیان و حق الطاعة در منجزیت مدلولات التزامی غیر بینه در امارات مثبتة تکلیف می توان قائل شد.

تکمیل مقدمه پنجم

در مقدمه پنجم به چند مطلب اشاره می کنیم:

مطلب اول اینکه آیا موضوع حجیت، اعم از اخباریات و انشائیات است یا موضوع حجیت، تنها انشائیات است؟ در اینجا بین آن دو معنایی که در گذشته گفتیم، تفاوت وجود دارد و یکی از ثمرات آن تفصیل، در اینجا معلوم می شود. گفتیم که دو معنا برای حجیت وجود دارد؛ «کاشفیت» و «منجزیت و معذرت».

حوزه کار منجزیت و معذرت، اوامر مولیه است؛ بنابراین اولاً در آن مولویت شرط است و دوماً مربوط به انشائیات مولات؛ لذا حجیت به معنای منجزیت و معذرت، مخصوص بیانات انشائی مولات و بیانات اخباری مولا، منجزیت و معذرت ندارد؛ مگر خبری که در اصل انشاء باشد اما با صیغه خبر بیان شده باشد که در این صورت، صیغه، صیغه خبر است اما در اصل انشاء است.

در غیر مولا، حجیت به معنای منجزیت و معذرت، نه در انشائیات و نه در اخباریات موضوع ندارد؛ زیرا مولویتی وجود ندارد؛ لذا نه انشائیات غیر مولا حجیت به معنای منجزیت و معذرت دارد و نه اخباریات غیر مولا.

حجیت منطقی (به معنای کاشفیت)، هم در بیانات مولا موضوع پیدا می کند و هم در بیانات غیر مولا؛ به عبارت دیگر: حجیت به معنای منطقی، اختصاص به بیانات مولا ندارد. حجیت منطقی، کاشف از اراده جدی است؛ این کشف از اراده جدی چه در اخباریات و چه در انشائیات [چه از مولا و چه از غیر مولا وجود خواهد داشت].

حجیت منطقی می تواند کاشف از اراده جدی باشد؛ به عبارت دیگر موضوع منجزیت اوامر مولا، کاشفیت این امر از اراده جدی مولات؛ اما اینها دو چیزاند؛ یعنی چون امر از اراده جدی مولا کاشف می کند، حجیت به معنای منجزیت و معذرت دارد؛ اما این کاشفیت اختصاص به امر مولا ندارد و اوامر غیر مولویه نیز حجیت به معنای کاشفیت دارند و کاشف از اراده جدی متکلم هستند.

بنابراین حجیت به معنای منطقی اولاً اختصاص به انشائیات ندارد و ثانیاً اختصاص به بیانات مولا نیز ندارد؛ لذا اوامر غیر مولا، منجز نیست؛ اما کاشف از اراده جدی آمر است.

کاشفیت به معنای تطابق بین کاشف و «ما یکشف عنه الکاشف» است؛ البته بین کاشفیت در انشائیات و کاشفیت در اخباریات تفاوت وجود دارد. در انشائیات، «ما یکشف عنه الانشاء»، «ما فی النفس» (از اراده، تمنی، ترجی و...) است؛ [یعنی انشائیات، از آنچه در نفس وجود دارد کشف می کنند] اما اخبار، کاشف از «ما فی الواقع» است؛ وقتی گفته می شود «مات زید»، کاشف از یک واقعه ای است که در خارج رخ داده است؛ لذا صدق و کذب خبر دائر مدار تطابق خبر با واقع است و خبر کاذب، کاشف نیست. خبر صادق خبری است که با «مخبر عنه» که یک امر خارجی است مطابق باشد؛ بخلاف انشائیات که ماوراء الانشاء، یک حالت نفسانی است.

بنابراین مدالیل التزامیه غیر بیّنه اخباریات، همیشه دارای حجیت به معنای حجیت منطقی هستند؛ اگر چه حجیت اصولی (به معنای منجزیت و معذرت) آنها مورد پذیرش قرار نگیرد. به عبارت دیگر اگر در حجیت اصولی (به معنای منجزیت و معذرت) مدالیل التزامیه غیر بیّنه تکشیک کردیم و یا گفتیم در آنها شرط التفات وجود دارد، اما حجیت منطقی مدالیل التزامیه غیر بیّنه ثابت خواهد بود و شرط التفات نیز وجود ندارد. این سخن، منشأ آثار فقهیه متعددی است.

خلاصه اینکه حجیت مدالیل التزامیه غیر بیّنه، اگر مشروط به التفات باشد - که گفتیم در غیر مولا مشروط به التفات است و در مولا وجود این شرط مفروض است - در انشائیات است که این شرط وجود دارد؛ اما حجیت مدالیل التزامیه غیر بیّنه در اخباریات، مشروط به التفات نیست؛ زیرا تلازم بین لازم غیر بیّنه با مخبر عنه در اخباریات، متوقف بر التفات نیست. بنابراین اگر گفته شد «مات زید» و این سخن دارای لازم غیر بیّنی بود که خود گوینده متوجه آن نبود؛ مثلاً شخصی نذر کرده بود که اگر زید از دنیا رفت، صدقه بدهد، در اینجا گوینده به این تلازم التفات ندارد؛ اما با بیان این جمله - هر چند متکلم ملتفت به التزام نیست - تحقق موضوع نذر آن شخص بر این کلام مترتب می شود.

در انشائیات به این دلیل که تلازم باید در ما فی النفس و آن لازم غیر بین وجود داشته باشد، اگر منشی، به تلازم التفات نداشته باشد؛ می تواند بگوید من آن لازم غیر بین را قصد نکرده ام؛ اما تلازم در اخباریات، تلازم بین ما فی الخارج - که مدلول مطابقی است -، با شیء خارجی است؛ لذا در لوازم غیر بین اخباریات، التفات به لازم غیر بین، شرط از کشفیت آن لازم غیر بین نیست؛ چه متکلم اراده کند و چه اراده نکند؛ چه ملتفت باشد و چه ملتفت نباشد، کلام او کاشف از لازم غیر بین خواهد بود.

و صلّی الله علی محمد و آله الطّاهرین